

# هو الله - ای یار قدیم ای ثابت بر پیمان اگر چه مدّتیست...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۹۸

## هو الله

ای یار قدیم ای ثابت بر پیمان اگر چه مدّتیست مدید که از کثرت موانع فرصتی نیافتم که بکمال روحانیت بآنجناب نامه نگارم. ولی حقیقت قدم روحی لأحبّائه الفداء واقف و آگاه که دل و جان در نهایت انتباه نفسی بر نیارم مگر آنکه بیاد تو افتم و سرور و شادمانی جویم و از حقّ استدعا کنم که ابواب سرور و حبور از هر جهت بگشاید و در جمیع احوال تأیید فرماید تا بعبودیت آستان مقدّس شریک و سهم این سر دفتر سودائیان گردی و انیس و مونس این سرور شیدائیان باری مقصد اینست که دائماً بیاد تو بودم و دمی نیاسودم و آنچه تضرّع و زاری باید بیارگاه قدس نمودم و منتظر نتایج آن مناجات هستم انّ ربّی کریم وهّاب

در خصوص فساد غافلان مرقوم نموده‌اید الحمد لله رجع کیدهم فی نحرهم و جعل طائرهم فی عنقهم و سیخرج الله لهم کتاباً یلقونه منشوراً و یجعل لؤلؤ الفضل علی رؤوس عباده منشوراً و لا یزید مواهب ربّک أهل الغرور الا کبراً و نفوراً حال باید احبّای الهی در تأسیس بنیان عرّت ابدی بکوشند. یعنی در بین خلق باخلاق حقّ محشور گردند سلیم باشند و حلیم صادق باشند و امین. خاضع باشند و خاشع، خیرخواه گردند و مهربان. اطاعت حکومت نمایند و حسن الفت با جمیع امت. اگر چنانچه کسی طریق انصاف نبوید و ظلم و اعتساف نماید



ORIGINAL



AUDIO

اعتنا نمود بل بمقابل جفا وفا کرد و بتلافی نیش شهد و نوش داد اذیت را برعایت مقاومت نمود و جهالت را بعلم و فضیلت تقابل کرد. شتم و لطم را بستایش و کتم ستر نمود و ضربت و زخم را بمرهم محبت معالجه کرد. بجمع اسباب تشبث نمود که بعون و عنایت حضرت احدیت صداقت و امانت را در حق ملک و ملت ظاهر و آشکارا نمود.

اس اساس سیئات نادانی و جهالت است. لهذا باید باسباب بصیرت و دانائی تشبث نمود و تعلیم اخلاق کرد و روشنی بآفاق داد تا در دبستان انسانی تخلق باخلاق روحانی نمایند و یقین کنند که هیچ بحیم و سعیری بدتر از خلق و خوی سقیم نه و هیچ جهنم و عذابی کثیف تر از صفات موجب عتاب نیست. تا تربیت بدرجه ئی رسد که قطع حلقوم گواراتر از کذب مشوم شود، و زخم سیف و سنان آسان تر از غضب و بهتان گردد آتش غیرت بر افروزد و خرمن هوا و هوس بسوزد هر یک از یاران الهی رخس باخلاق رحمانی چون مه تابان بدرخشد و نسبتشان باستان الهی حقیقی گردد نه مجاز. اساس بنیان شود نه طراز ایوان. لهذا باید مکتب اطفال بنهایت انتظام باشد. تعلیم و تعلم محکم گردد و تهذیب و تعدیل اخلاق منتظم شود تا در صغر سن در حقیقت اطفال تأسیس الهی شود و بنیان رحمانی بنیاد گردد. این مسئله تعلیم و تهذیب و تعدیل و تشویق و تحریص را بسیار مهم شمرد که از اس اساس الهی است که بلکه انشاءالله از دبستانهای الهی اطفال نورانی باشرف کلمات انسانی مبعوث گردند و سبب نورانیت ایران بلکه عموم امکان شوند.

تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار شود تجربه شده است که نهایت سعی و کوشش را مینمایند تا خلقی از اخلاق نفسی را تبدیل کنند نمیشود. اگر الیوم اندکی متنبه گردد بعد از ایامی معدود فراموش کند و بر حالتی که معتاد و خوی نموده راجع شود. پس باید از طفولیت این اساس متین را بنهند. زیرا تا شاخ تازه و تراست بکمال سهولت و آسانی مستقیم و راست گردد مقصود اینست که اس اساس الهی اخلاق رحمانی است که زینت حقیقت انسانی است. و علم و دانش است که سبب ترقی عالم بشریت است در این قضیه باید احبای الهی نهایت اهمیت و غیرت را مبذول دارند.

دیگر آنکه جمیع یاران الهی را تکبیر ابداع ابهی در کمال اشتیاق از قبل عبدالبهاء برسان تعلیمات مکتب اطفال مفصل است و حال فرصت میسر نیست. لهذا مختصر جزئی تعلیم مرقوم میگردد اول تربیت آداب و تربیت باخلاق و تعدیل صفات و تشویق بر اکتساب کلمات و تحریص بر تمسک بدین الله و ثبوت بر شریعة الله و اطاعت و انقیاد تام بحکومت عادل و صداقت و امانت بسریر سلطنت حاضر و خیرخواهی عموم اهل عالم و مهربانی با کل امم و تعلم فنون مفیده و السن اجنبیه و حسن سلوک و مداومت ادعیه خیریه در حق ملوک و مملوک و اجتناب از قرائت کتب طوائف مادیه امم طبیعیه و از حکایات و روایات عشقیه و تألیفات غرامیه. خلاصه جمیع دروس محصور در اکتساب کلمات انسانیه این تعلیم تربیت مکتبهاست که مختصر مرقوم میگردد.

و عليكم التحيّة و الشاء عع

